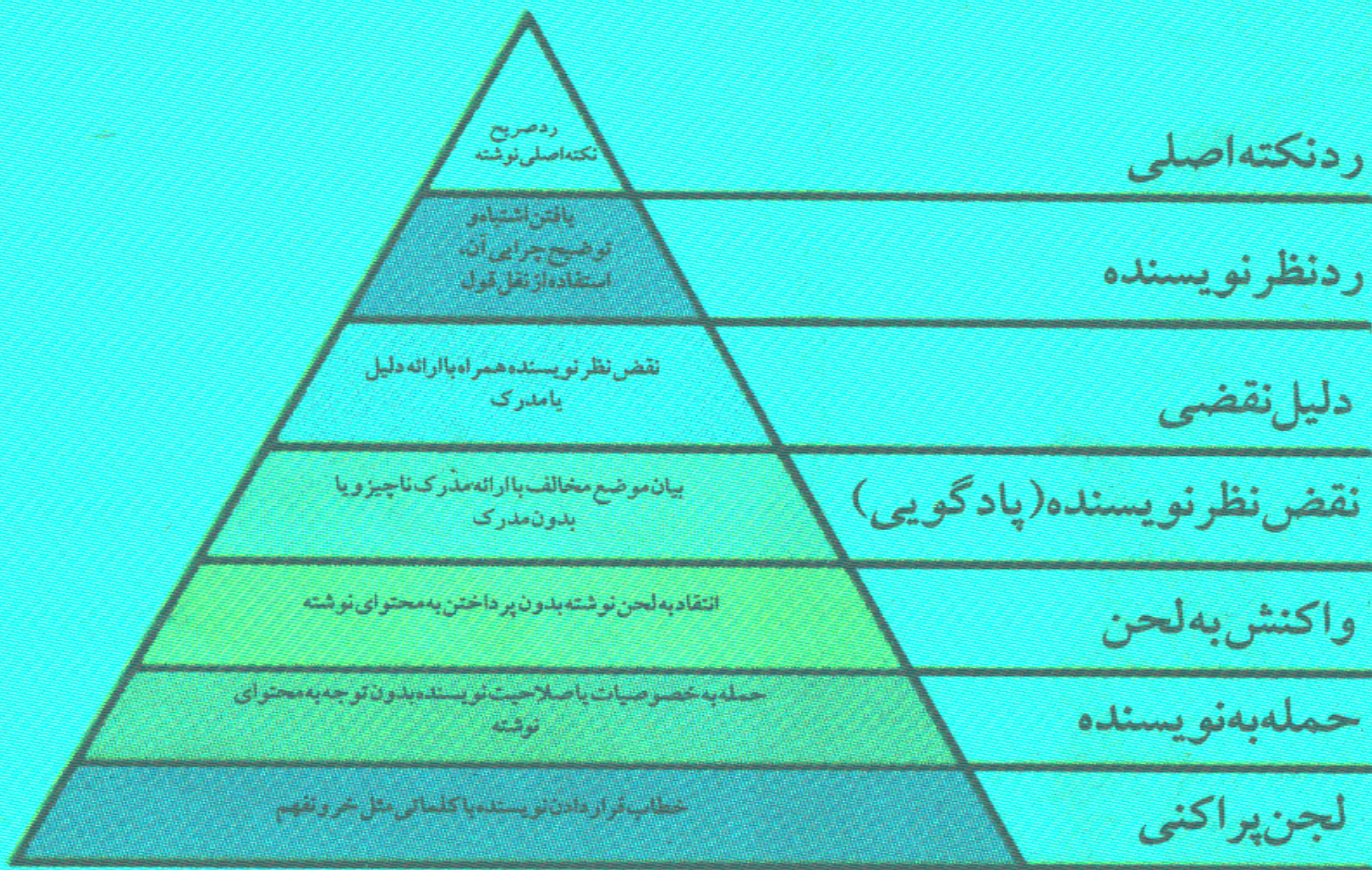


چگونه در شبکه‌های اجتماعی نقد کنیم

هنری به نام مخالفت

هرم بلوغ نقد در شبکه اجتماعی



رد نکته اصلی

رد صریح
نکته اصلی نوشته

رد نظر نویسنده

یافتن اشتباه و
توضیح چرایی آن،
استناد از نقل قول

دلیل نقضی

نقض نظر نویسنده همراه با ارائه دلیل
یا مدرک

نقض نظر نویسنده (پادگویی)

بیان موضع مخالف با ارائه مدرک ناچیز و یا
بدون مدرک

واکنش به لحن

انتقاد به لحن نوشته بدون پرداختن به محتوای نوشته

حمله به نویسنده

حمله به خصوصیات یا اصلاحت نویسنده بدون توجه به محتوای
نوشته

لجن پراکنی

خطاب قرار دادن نویسنده با کلماتی مثل خرو تفهم

چگونه مخالفت کنیم

تا دو دهه پیش نویسندگان فقط می نوشتند و خوانندگان هم به خواندن بسنده می کردند. اما در سال های اخیر به ویژه در فضای مجازی این امکان فراهم شده که خوانندگان نظر دهند و در جلسات بحث و گفت و گو شرکت کنند. اغلب افرادی که به موضوعی واکنش نشان می دهند، با آن مخالف اند. همان گونه که انتظار می رود موافقت با موضوع کمتر از مخالفت با آن مردم را به هیجان می آورد. معمولاً در موافقت حرف کمتری برای گفتن داریم؛ البته می توانیم توضیح بیشتری درباره گفته نویسنده بدهیم، اما احتمالاً او پیش تر جالب ترین جنبه های نهفته در نوشته اش را بررسی کرده و کاویده است. وقتی مخالفت می کنیم، به حوزه یی وارد می شویم که ممکن است نویسنده به آن نپرداخته باشد. نتیجه اینکه با نخستین ابراز نظر مخالف، نظرهای دیگری پی در پی از راه می رسند و این صرفاً کلمات اند که مبنای سنجش قرار می گیرند. البته این به آن معنی نیست که افراد مرتب عصبانی تر می شوند. کافی است که شیوه تبادل نظرمان را تغییر دهیم تا

این موضوع روشن شود. با وجودی که عصبانیت موجب افزایش مخالفت نمی شود، این خطر وجود دارد که افزایش مخالفت افراد را عصبانی تر کند، به ویژه در فضای مجازی که می توان به آسانی چیزهایی گفت که هرگز رودررو به زبان نمی آید. اگر قصد مخالفت جدی با موضوعی را داریم، باید مراقب باشیم این کار را درست انجام دهیم. مخالفت درست یعنی چه؟ بیشتر خوانندگان فرق بین لجن پراکنی و رد کردن منطقی و محتاطانه موضوع را می توانند بگویند. با این حال نام گذاشتن بر درجات میانی این دو شیوه ابراز مخالفت، مفید است. با این کار می توان مخالفت ها را درجه بندی کرد.

طبق طبقه‌بندی نویسنده، پایین هرم یعنی بیشترین و رایج‌ترین نوع مخالفت، دشنام دادن و وصله زدن و نام گذاشتن است. بعد از آن، به زیر سوال کشیدن نویسنده است و اینکه حق نداشته یا حوزه‌اش نبوده که این را بگوید، بدون اینکه به منطق یا حرفش اشاره شود. بعد از آن انتقاد از لحن گفتار است باز بدون اینکه به ابعاد و منطق مخالفت پرداخته شود. مرحله بالاتر از آن، تناقض است که مساله‌یی در تناقض با مطلب طرح شده می‌آید اما باز استدلالی ندارد. مرحله بالاتر، طرح کردن مساله مقابل با طرح و دلیل است که از اینجا جدی و مشخص می‌شود. بعد ایرادها و اشکال‌ها را در مرحله بعد پیدا می‌کند و چرایی آن را می‌گوید و در مرحله بالای هرم، می‌توان به منطق یا نتیجه‌گیری یا استدلال مطرح شده ایراد گرفت و آن را رد کرد. شناخت این هرم از این نظر مهم است که اگر در محیط اجتماعی - اینترنتی بحث کنید، با طبقه‌های پایین هرم روبه‌رو می‌شوید در نتیجه آمادگی آن را داشته باشید. اما اگر قرار است مخالفت کنید، هر قدر به سه مرحله بالای هرم نزدیک شوید و بر اساس آن عمل کنید، گفت‌وگویی سالم‌تر، نتیجه‌دارتر و بهتر خواهید داشت.

مخالفت درجه صفر

مخالفت درجه صفر - لجن پراکنی

این نازل ترین شکل مخالفت و در عین حال متداول ترین نوع آن به حساب می آید. در فضای مجازی، کامنت هایی مثل «خر» و «نفهم» زیاد می بینیم، اما نکته مهم این است که تصدیق کنیم این لجن پراکنی ها هیچ ارزشی ندارند. کامنتی مثل «نویسنده خودبزرگبین است و سرسری به موضوع پرداخته» نیز دست کمی از «نفهم» ندارد و در واقع شکل بزرگ شده آن است.

مخالفت درجه یک

مخالفت درجه یک - حمله به نویسنده

حمله به نویسنده کاملاً به ضعیفی لجن‌پراکنی نیست و گاهی می‌تواند اندک ارزشی هم داشته باشد. مثلاً اگر نماینده مجلسی در مقاله‌ای بنویسد: «حقوق نمایندگان باید افزایش یابد»، یکی می‌تواند پاسخ دهد: «البته که باید این را بگویید، نماینده مجلس است دیگر». این نظر گفته نویسنده را رد نمی‌کند. گرچه هنوز شکل مخالفت خیلی ضعیف است، دست کم ممکن است به موضوع ربط داشته باشد. اگر خطایی در گفته نماینده وجود دارد، باید روی آن انگشت گذاشت؛ اگر خطایی نیست، چه فرقی

مخالفت درجه یک.....

می‌کند که او نماینده است؟ گاه گفته می‌شود نویسنده صلاحیت نوشتن در باره فلان موضوع را ندارد؛ این نیز نوعی حمله به نویسنده است و از قضا نوع بسیار بد آن است، چرا که ایده‌های خوب اغلب به ذهن تازه‌واردها می‌رسد. سوال این است که آیا نویسنده درست می‌گوید یا نه. اگر نبود صلاحیت نویسنده سبب بروز خطاهایی شود باید آن را نشان داد، و گرنه نبود آن به خودی خود مساله‌ی نیست.

مخالفت درجه دو

مخالفت درجه دو-واکنش به لحن

در این سطح تازه شروع می‌کنیم به خود نوشته، و نه نویسنده، واکنش نشان دادن. نازل‌ترین شکل این واکنش، مخالفت با لحن نویسنده است. نمونه: من نمی‌توانم بپذیرم که نویسنده «آفرینش هوشمند» را چنین با تمسخر رد کند.

این شکل ابراز مخالفت هنوز ضعیف است، گرچه بهتر از حمله به نویسنده است. اما از لحن نویسنده مهم‌تر، آن است که او درست می‌گوید یا نه، به ویژه که داوری درباره لحن بسیار دشوار است. آنکه به موضوع حساس است به احتمال از لحن نویسنده دلخور می‌شود، در حالی که ممکن است برای دیگر خوانندگان عادی به نظر رسد. بنا بر این اگر بیشترین چیزی که می‌توانیم درباره نوشته‌ی بگوییم خرده‌گیری از لحن آن باشد، در واقع چیزی برای گفتن نداریم. اگر نویسنده جدی نیست اما حرف درست می‌زند، بهتر از آن است که جدی باشد و نادرست بگوید. اگر جایی بر خطا است، باید بگوییم کجا.

مخالفت درجه سه

مخالفت درجه سه - نقض نظر نویسنده (پادگویی)

در این سطح است که سرانجام درباره خود نوشته واکنش نشان می‌دهیم و نه درباره اینکه چگونه و از سوی چه کسی نوشته شده. نازل‌ترین شکل این واکنش، مخالفت خشک و خالی است که گاه با مختصر توضیحی همراه می‌شود. این نوع مخالفت معمولاً با عباراتی از درجه دو همراه می‌شود. نمونه: من نمی‌توانم بپذیرم نویسنده «آفرینش هوشمند» را چنین با

مخالفت درجه سه....

تمسخر رد کند. این نظریه‌ی علمی و منطقی است. پادگویی می‌تواند تا حدی از ارزش برخوردار باشد. گاهی بیان صرف سخنی مخالف و صریح برای پی بردن به درستی آن کافی است، اما معمولاً ارائه دلیل و مدرک کمک می‌کند.

مخالفت درجه چهار

مخالفت درجه چهار - نقض نظر نویسنده همراه با آوردن دلیل (دلیل نقضی)

در این سطح می‌رسیم به شکل ابتدایی مخالفت قابل پذیرش. به مخالفت‌هایی تا این سطح می‌توان اعتنا نکرد، چرا که چیزی را ثابت نمی‌کنند. دلیل نقضی ممکن است چیزی را ثابت کند اما مشکل بتوان گفت دقیقاً چه چیزی را. دلیل نقضی شامل پادگویی به علاوه استدلال یا مدرک است و اگر بحث اصلی را درست هدف قرار دهد، می‌تواند قابل پذیرش باشد، اما متأسفانه بیشتر وقت‌ها در نشانه‌گیری خطا می‌کند، یعنی معطوف به چیزی می‌شود که اندکی با بحث اصلی تفاوت دارد. دو نفر که با شور و حرارت تمام درباره موضوعی بحث می‌کنند، در واقع درباره دو چیز متفاوت حرف می‌زنند. گاهی حتی بر سر اصل موضوع با یکدیگر موافقند، اما آنقدر شلوغ می‌کنند که این را نمی‌فهمند. البته یک دلیل منطقی برای بحث درباره موضوع اندک متفاوت با آنچه نویسنده مطرح کرده، می‌تواند وجود داشته باشد و این وقتی است که احساس کنیم شرکت‌کنندگان در بحث، اصل مطلب را نگرفته‌اند. در این موارد باید به صراحت آن را متذکر شد.

مخالفت درجه پنج

مخالفت درجه پنج - رد نظر نویسنده

قابل پذیرش ترین و در عین حال نادرترین شکل مخالفت رد کردن نظر نویسنده است، چرا که حداکثر کاری است که می توان انجام داد. در واقع درجات ابراز مخالفت به شکل هرم است، به این معنی که هرچه بالاتر رویم به نمونه های کمتری بر می خوریم. برای رد کردن نظری که با آن مخالفیم و به گمان ما اشتباه است، ابتدا باید آن را نقل کنیم و بعد توضیح

مخالفت درجه پنج....

دهیم که چرا اشتباه است. اگر نتوانیم نقل قولی برای مخالفت
بیابیم، در واقع بحث الکی راه انداخته ایم. رد کردن نظر طرف
مقابل، عموماً نیازمند آوردن نقل قول است، اما آوردن نقل
قول لزوماً رد نظر را به دنبال ندارد. برخی در کامنت‌هایی که
می‌گذارند، بخشی از مطلبی که با آن مخالفند را نقل می‌کنند
و بعد واکنش‌هایی از درجه سه یا حتی صفر از خود نشان
می‌دهند.

مخالفت درجه شش

مخالفت درجه شش - رد نکته اصلی

استحکام یک ردیه بستگی دارد به چیزی که رد می شود. مهم ترین نوع مخالفت، رد نکته اصلی نظر طرف مقابل است. حتی در مخالفت درجه پنج، گاهی هنوز نادرستی عمدی می بینیم، آنجا که شخص نکات کم اهمیت بحث را ابتدا گزینش و سپس رد می کند. گاهی هم شیوه مخالفت به درجه دو (حمله به نویسنده) نزدیک می شود، اما با ظاهری آراسته. مثلاً، تصحیح جملات از نظر دستوری یا پرداختن به اشتباهات جزئی در اسامی و عدد و رقم. تنها قصدی که از تصحیح نوشته می تواند در کار باشد، همانا بی اعتبار کردن نویسنده است، مگر در مواردی که خود بحث مربوط به چنین موضوعاتی باشد. بنا بر این یک شیوه موثر و صادقانه مخالفت، می تواند چیزی شبیه این الگو باشد:

به نظر می رسد نکته محوری نوشته... باشد. چون می گوید:
«نقل قول»

اما این مطلب به این دلایل اشتباه است...
نقل قولی که به عنوان اشتباه بر آن تاکید می شود، لازم نیست دقیقاً همان عبارات نویسنده باشد، تنها کافی است مبتنی بر آن باشد.

اهمیت درجه بندی مخالفت ها

حالا روشی برای درجه بندی اشکال مخالفت داریم. خوب، این به چه کار می آید؟ در ابتدا باید تاکید کرد، درجه بندی کردن به تنهایی گلی به سر ما نمی زند. این درجات صرفا شکل مخالفت، و نه درستی مضمون آن، را توضیح می دهند. واکنشی از درجه شش، هنوز می تواند به کلی اشتباه باشد. سطوح مخالفت حدی را برای قابل پذیرش بودن یک واکنش تعیین می کنند، مخالفتی از درجه شش ممکن است قابل پذیرش نباشد، اما از درجه دوم به پایین یقینا غیر قابل پذیرش اند. مهم ترین مزیت طبقه بندی کردن شکل های مخالفت این است که به افراد کمک می کند آنچه را می خوانند بتوانند ارزشیابی کنند و به ویژه فریب بحث های از لحاظ عقلی نادرست را نخورند. نویسندگان یا سخنرانان زبان آور می توانند مخاطبان شان را با به کار بردن کلمات موثر از میدان به در برند. در واقع خصلت مشخص کننده عوام فریبان همین است. با دادن نام به شکل های گوناگون مخالفت، سنجاقی برای ترکاندن چنین حباب هایی در اختیارمان قرار می گیرد. علاوه بر این، دادن نام ممکن است به خود نویسندگان هم کمک کند، چون بیشتر وقت ها نادرستی فکری به عمد نیست. آن که در مخالفت با لحن دیگری سخن می گوید، چه بسا باور

دارد که واقعا چیز مهمی برای گفتن دارد، اما اگر کمی از دور به جایگاهش در هرم مخالفت بنگرد، ممکن است بکوشد سطح مخالفتش را به درجه چهار یا پنج برساند. بزرگ‌ترین حسن مخالفت درست، فقط این نیست که کیفیت گفت‌وگو را بهبود می‌بخشد، بلکه علاوه بر آن موجب می‌شود افرادی که در این گفت‌وگوها شرکت دارند خرسندتر شوند. اگر گفت‌وگوها و بحث‌های جاری در فضای مجازی را بررسی کنیم، تنگ‌نظری بسیار بیشتری در مخالفت‌های درجه پایین ملاحظه می‌کنیم. وقتی مطلب درستی برای ارائه داریم، دیگر نیازی نیست تنگ‌نظر باشیم. علاوه بر آن اگر حرف جدی برای گفتن داریم، تنگ‌نظری عنصر مزاحمی است. اگر ارتقای درجه مخالفت موجب کاهش تنگ‌نظری افراد شود، این نیز به خرسندی بسیاری از آنان می‌افزاید. اغلب افراد واقعا از داشتن چنین خصلتی راضی نیستند. آنان تنگ‌نظری می‌کنند، چون ظاهر اعدان آن دست خودشان نیست.

منبع: www.paulgraham.com/disagree.html